



همبستگی هفتگی

۱۵

۱۶ شهریور ۱۳۸۰
۷ سپتامبر ۲۰۰۱

www.hambastegi.org

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

وجدان انسان امروز نباید نظاره گر خاموش این فجایع باشد!

همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سرمدبیر: مهرنوش موسوی

دستیار سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 49 1757 402 582

فکس: 00 358 631 542 53

mehrnousch@aol.com

tavakoli@hotmail.com



فرشاد حسینی

ifir@ukonline.co.uk

سوسیالیستی عریان میشود. دیگر هیچ کس و هیچ چیز نمیتواند این جهنم را دگرگون کند. انسان و حقوق انسانی زیر دست و پای این جامعه و دولتی که در رودرویی با حقوق همه انسانها دست در دست هم دارند له میشود. نباید اجازه داد که در مقابل چشمان همه دنیا این چنین جانورانی امثال طالبان را خود اینها بر سر کار نگه داشته اند. سهم انسان از زندگی این جهنم نیست. دنیایی باید برپا کرد که در آن چنین فجایعی فقط بازگویی داستان توحش سرمایه داری باشد. برای برپایی انقلاب کمونیستی و نجات بشریت برای برپایی دنیایی بهتر همین امروز هم دیر شده است.

کرده اند. بازی با زندگی قربانیان یکی از وحوش اسلامی در افغانستان، انکار ابتدایی ترین حقوق آنها یکی از مواهب نظم نوین جهانی و دنیای طلایی وعده شده پس از مرگ «کمونیسم» است! گنداب و توحش بیسابقه این نظم جدید روز به روز عریان تر میشود و بشر امروز را با فجایع دلخراشتری مواجه میسازد. امروز پس از یکدهه از اعلام مرگ «کمونیسم» توسط رسانه های تبلیغاتی بورژوازی، تعداد پناهندگان و مهاجرین دنیا به ۱۵۰ میلیون نفر رسیده است. تعداد انسانی که "غیرقانونی" نامیده شده اند بالغ بر ۴۰ میلیون شده است. و سالانه بیش از ۲ میلیون نفر قربانی معاملات سودجویانه و کاراجباری و تن فروشی و بردگی در شرایط سختند. هرچه سرمایه داری به تعرضات خود علیه حقوق پایه انسانها بیشتر و فجیع تر میتازد، بهمان میزان ضرورت حضور زنده و فعال کمونیسم و برپایی جامعه

روز ۲۶ اوت یک کشتی ماهیگیری حامل ۴۶۰ پناهجو که اکثرا از چنگ حکومت اسلامی طالبان میگريختند، و از اندونزی بسمت استرالیا راه افتاده بود، دچار سانحه شده و مسافری آن در خطر غرق شدن قرار میگیرند. یک کشتی نروژی بنام تامپا که از این سانحه باخبر شده به کمک آنان شتافته و مسافری را از مرگ حتمی نجات میدهد. دولت استرالیا بمحض اطلاع از ماجرا و علیرغم ورود کشتی تامپا به قلمرو آبی استرالیا از لنگر گرفتن آن و پیاده شدن پناهجویان در خاک خویش ممانعت بعمل آورد. در ابتدا دولت استرالیا نیروهای مسلح دریایی خود را روانه کرد تا کشتی را به اندونزی بازگرداند. اما موج وسیع و بین المللی اعتراضات و شکایات مجامع و سازمانهای مدافع پناهندگی این اقدام دولت استرالیا را به شکست کشاند. اما دولت لیبرال استرالیا که یکی از سرسختترین سیاستهای ضد پناهندگی را در جهان اجرا میکند، کماکان از پذیرش پناهجویان سرباز زده است. اواسط هفته گذشته در پی تلاشهای انساندوستانه برخی از نیروها و محافل استرالیا و شکایت از این دولت یک دادگاه حکم داد که تا زمان تصمیم گیری در مورد این شکایت دولت اجازه ندارد پناهجویان را به ترک قلمرو استرالیا وادار کند. اما دادگاه دیگری روز دوشنبه به لغو این حکم رای داد و به تصمیم دولت استرالیا پوشش قانونی داد. عاقبت دولت استرالیا روز سه شنبه پیشنهاد داد

۱۵۰ تن از این پناهجویان به نیوزیلند فرستاده شده و بقیه به جزیره "نارو" انتقال داده شوند که تعدادی را استرالیا پذیرفته و تعداد دیگری نیز توسط کشورهای دیگر پذیرفته شوند. پناهجویان گیرافتاده در آبهای اقیانوس آرام روزهای پراضطرابی را سپری میکنند. صاحبان کشتی نروژی تامپا اعلام کرده اند که این کشتی تنها ظرفیت حمل ۵۰ مسافر را دارد. قرار است پناهجویان توسط یک ناو نیرو بر استرالیایی ۷ تا ۹ روز دیگر در راه باشند تا به گینه جدید رسیده و از گینه جدید با هواپیما راهی نیوزیلند و جزیره "نارو" شوند. سرنوشت و زندگی ۴۵۰ انسان از جمله ۵۰ کودک و ۲ زن باردار، تنها بازیچه تبلیغات سیاسی دولت استرالیا قرار گرفته است. در مقابل چشمان مردم دنیا ۴۵۰ نفر انسان به تهدید اخراج و ترس و نگرانی محکوم شده اند. جان هاوارد نخست وزیر استرالیا با این گروگانگیری نفرت انگیز قصد دارد تنور انتخاباتی خود را گرم کرده و از راست ترین محافل و گرایشات رای اعتماد برای قدرت سیاسی خود در دورانی بگیرد. دولت استرالیا طی سالهای اخیر خشن ترین و ضد انسانی ترین سیاستها را علیه پناهندگان و پناهجویان بکار گرفته است. بنا به گزارش اداره مهاجرت استرالیا طی سالهای ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۰ تنها نیمی از ۹۶۷۵ پناهجویی که با کشتی خود را به استرالیا رسانده اند اجازه اقامت در استرالیا را دریافت

صدای همبستگی

شنبه ها در

رادیو اترناسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

به

فدراسیون سراسری

پناهندگان

کمک مالی

کنید!

همبستگی هفتگی

را تکثیر و پخش

کنید!

آخرین اطلاعات در باره

وضعیت پناهندگی در آلمان!

مصاحبه با نسرین رضاعلی، دبیر فدراسیون در آلمان

صفحه ۲

سرگذشت زندگی، زندان و فرار

یک فعال حقوق کودک در ایران!

صفحه ۴

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آخرین اطلاعات در باره وضعیت پناهندگی در آلمان!

مصاحبه با نسرین رمضانعلی، دبیر فدراسیون در آلمان

همبستگی: فدراسیون در آلمان مجموعاً چند دفتر و مراکز فعال دارد؟

نسرین رمضانعلی: واحد فدراسیون در آلمان ۲۰ دفتر و مراکز فعال دارد، در غالب شهرهای مهم و مرکز تجمع پناهندگان مثل فرانکفورت، برلین، هامبورگ، کلن، اسن، مانهایم و شهرهای دیگر آلمان ما دفاتری داریم که هر هفته در روزهای معین اعلام شده ایی به دیدار با مردم میپردازیم و فعالین ما مشغول کمک و همیاری مردم در زمینه های مختلف هستند. آدرس این دفاتر و ساعات کار ما در نشریه همبستگی ماهانه و در سایت انترنتی ما مداوماً اعلام میشود. از طرف دیگر کادرها و فعالین همبستگی در محلهایی که ما دفاتر داریم و یا اینکه مردم نمیدانند که دفاتر ما کجاست رأساً به کمپهای پناهندگی رفته و دفاتر و وجود ما را به مردم معرفی میکنند. از جمله در منطقه راین ماین و یا شهرهای دیگر آلمان ما مداوماً به این کمپها سر میزنیم. کمتر کسی هست که بعد از ورودش به آلمان شماره های تماس تلفنی با ما را نداشته باشد.

همبستگی: شرایط و اوضاع پناهندگی در آلمان به چه نحو است؟

نسرین رمضانعلی: شرایط پناهندگی در آلمان به شدت سخت شده و قوانین راسیستی روز به روز شرایط را سختتر میکند. درصد قبولی چیزی حدود ۲ درصد در مصاحبه اول است و ۱۰ درصد در مراحل بعدی که عموماً ۲ درصد مراحل بعدی بعنوان پناهنده سیاسی قبول می شوند و ۸ درصد دیگر به عنوان پناهنده اجتماعی. در آلمان دولت برای دور زدن مواد کنوانسیون ژنو به تعابیر حقوقی خود پاراگرافهایی را افزوده است که معنی جز بی حقوقی پناهندگان ندارد. از آن جمله قبولی بر مبنای پاراگراف ۵۱ و ۵۳ قانون پناهندگی است. بر مبنای

پاراگراف ۵۳ پناهنده اجازه موقت اقامت میابد ولی از همه امکانات اجتماعی محروم است. مدتهای طولانی پناهجویان در انتظار دادگاه می مانند معمولاً مصاحبه اول در سه ماه اول ورود صورت می گیرد، جوابها از دو ماه تا دو سال طول می کشد ولی برای اعتراض به دادگاه عالی معمولاً پناهجویان از یک سال تا ۴ سال منتظر می شوند. باید گفت امکانات اجتماعی و رفاهی پناهجویان روز به روز کمتر و محدود تر می شود، و با توسل به قوانین شرایط غیره قابل تحمیلی را برای پناهجویان ایجاد کردند.

همبستگی: فدراسیون در سال گذشته چه کرده است؟

نسرین رمضانعلی: در یک سال گذشته فدراسیون در آلمان فعالیتهای زیادی داشته است. از دفاتر ما که به پناهجویان مشاوره می دهند تا درگیر شدن با مقامات محلی و سازمان دادن اکسیون اعتراضات وسیع، در این مدت بیش از ده پناهجو فقط با فعالیتهای واقعا شبانه روزی و مستقیم مسئولین و فعالین فدراسیون از زندان استرداد آزاد شدند که نمونه بارز آن هلن موسوی مبارکه بود که در زندان وی را تحت آزار و اذیت قرار داده بودند و با زور روسری سروی کرده بودند که برای تهیه پاس عکس بگیرند و او در معرض اخراج بود. تحصن شهر هاگن به مدت ۳ روز که ما در روز دوم به خواستهای خودمان مبنی بر لغو حکم دیپورت چند پناهجو رسیدیم. مهدی خدابخش را رفقای ما از پله های هواپیما در فرودگاه فرانکفورت برگرداندند و علیرضا عباسی را از زندان شهر آشافنبورگ مسئولین فدراسیون در فرانکفورت با اعتراض بیرون آوردند. تحصن بوخوم و دورتموند که با موفقیت و با استقبال بی سابقه مطبوعات روبرو شد در این مدت فدراسیون سرتیتر

روزنامه را به خود اختصاص داد. از چندین کانال محلی گزارش تهیه شد و رادیوی محلی از این اعتراضات گزارش مرتب پخش می کرد. تظاهرات ما مقابل دادگاه باعث شد که ما وارد مذاکره شویم. این گوشه ای از قدرت نفوذ فدراسیون را نشان داد، برای خبرنگارانی که آنجا بودند و ما مسئولین دادگاه را وادار کردیم به پناهجویان جواب بدهند جای توجیبهی باقی نمانده بود. اینکه دادگاهها ایران را امن اعلام می کنند و خبرنگاران مسئولین را تحت فشار گذاشته بودند که چه جوابی دارند بدهند. ارائه مدارک و قوانین اسلامی در ایران جای برای توجیه برای مسئولین باقی نگذاشت، در تعجب بودند. در همین مدت ما ۳ بار به پارلمان رتیم و در رابطه با پرونده تعدادی از پناهجویان به مذاکره پرداختیم. در چند ماه گذشته ما به گفته های مرتس رئیس حزب س د او، اعتراض و اکسیون های هماهنگ و سراسری بر پا کردیم. بنا به اظهارات ایشان اگر به کرسی مینشست فعالیت سیاسی پناهجویان یا ممنوع و یا با مخاطره روبرو میشد. ما وارد مذاکره با مسئولین شدیم که نماینده پارلمان در آلمان و همچنین نماینده در پارلمان اروپا رسماً به ما ساعت ۱۱ نیم شب با ایمیل اعلام کرد که آقای مرتس از موضع خودش عقب نشینی کرده است. در این مدت اعتراضات خیلی زیادی سازمان داده شده علیه بی حقوقی پناهندگان و خوشبختانه تا حال توانستیم موفقیتهای بدست بیاوریم ولی اینها کافی نیست آلمان جزء کشورهای است که امنیستی وی را محکوم کرده و در رده کشورهای است که که حقوق انسانها پایمال می شود این برای ما به این معنا است که وظیفه خیلی سنگینی در این دوره بر دوشمان است **همبستگی:** چه برنامه هایی برای دور آتی فعالیت خودتان

دارید؟

نسرین رمضانعلی: همانطور که با چند اطلاعیه اعلام کردیم، وزیر داخله آلمان اتو شیلی طرحی مبنی بر تغییر قوانین پناهندگی و مهاجرت پذیری را به بحث گذاشته و این طرح از سوی احزاب راست در پالمان که تقریباً حزبهای بزرگ هستند مورد حمایت قرار گرفته و احتمال می رود اگر این طرح به پارلمان برود تصویب بشود. این طرح تغییر قوانین، طرحی ضد انسانی و نادیده گرفتن میلیونها پناهنده و پناهجو و مهاجر در آلمان است. در این دوره با تلاش فعالین فدراسیون، کمپنی را سازمان دادیم بر علیه طرح راسیستی شیلی که تا به حال با استقبال خیلی از سازمانهای آلمانی پناهندگی و مدافع حقوق زن، ضد نژادپرستی، علیه راسیسم قرار گرفته است. این کمپین رسماً کار خودش را از هفته گذشته شروع کرده و در روز ۱۰ سپتامبر در برلین با یک کنفرانس مطبوعاتی این کمپین در سطح وسیعی معرفی خواهد شد و در عین حال همین روز متینگ اعتراضی در شهر هامبورگ برگزار می شود. اتو شیلی قرار است سخنرانی داشته باشد، برنامه این کمپین تا آخر اکتبر برنامه ریزی شده که این برنامه را در اطلاعیه به اطلاع همه می رسانیم.

ادامه

سرگذشت زندگی، زندان و فرار یک فعال حقوق کودک در ایران!

های کریه پاسداران اسلام مطمئن شدم که زنده ام. چشمانم را باز کردند و من دیدم که در محوطه زندان هستم و تمامی این ماجرا صحنه ای از اعدامهای قلابی بود. دیگر توان راه رفتن نداشتم، پاهایم میلرزید، برای اولین بار نمیدانستم بگویم از اینکه زنده هستم خوشحالم یا ناراحت، برای اولین بار بازگشتم به زندگی با درد و تحقیر و رنج همراه بود و مزدوران جمهوری اسلامی به وجود لرزان و رنگ پریده من میخندیدند. هیجده سال از آن روزها میگذرد، هر زمان که آرزوها را بیاد میآورم صحنه ها کم کم کمرنگتر میشود ولی یک چیز به همان شکل و به همان صورت در وجود من هنوز زندگی میکند. احساس نفرتی که از آنها در وجودم به همراه تحقیر به همراه درد به همراه رنج شعله کشید. نفرت از همگیشان!

ادامه در شماره بعد

شعار این کمپین حق پناهندگی حق مسلم ماست، متحد علیه راسیسم دولتی مبارزه کنیم. قطعاً در این مدت کارهای روتین فدراسیون و واحدها شهر همچنان ادامه و سازمان دادن اعتراضات برای شرایطی انسانی برای پناهجویان ادامه خواهد داشت. همینجا اگر به من اجازه بدهید از مردم آزادبخواه و مترقی از سازمانهای مدافع پناهندگی و انساندوست از سازمانهای مدافع حقوق زن، سازمانهای ضد نژادپرستی و علیه راسیسم می خواهم این کمپین را حمایت کنند. نامه های اعتراضی خود را به وزیر داخله آلمان برای طرح راسیستی که ارائه داده با رونوشت به کمپین را برای ما ارسال دارند. به صف فدراسیون بپیوندند، فدراسیون ظرف اعتراضات حق طلبانه انسانهای آزادیخواه است. ادرس و تلفن تماس با خود من این است:

تلفن ۰۹۴۶ ۰۵۳۵ ۰۱۷۲

IFIR
Postfach 1947
25409 pinneberg



اطلاعیه های مهم فدراسیون در هفته ای که گذشت

نگذارید جمهوری اسلامی صدها هزار پناهجوی کرد عراقی و افغانی را خراج کند!

جمهوری اسلامی درصدد است ۲۲۰ هزار پناهجوی کرد عراقی و هزاران پناهجوی افغانی را از ایران اخراج کند. صدها هزار انسان بیگناه که زندگی و آینده شان سالهاست توسط مجاهدین اسلامی افغانستان و طالبان و حکومت احزاب ارتجاعی تباه شده است، از فرط لاعلاجی و ناچاری به ایران پناهنده شده اند. این انسانهای بیگناه از چنگ دیوهای اسلامی و ناسیونالیست طالبان و بارزان و اتحادیه میهنی به هیولای جمهوری اسلامی رو برده اند چون هیچ مفر و نقطه امیدی نداشته اند. چون دولتهای اروپایی و سازمان ملل نگذاشته اند که آنها به کشورهای غربی پناهنده شوند و چون در دنیای "متمدن" و "حقوق بشر" دولتهای غربی، حق و سهم آنها پناه بردن از چنگ یک هیولا به چنگال هیولایی دیگر شده است. آزادخواهان! انسان دوستان!

به اخراج صدها هزار پناهجوی کرد و افغانی از ایران اعتراض کنید. نگذارید مرگ و نیستی و تباهی در افغانستان و کردستان عراق جان و زندگی این پناهجویان را بیش از پیش تهدید کند. به جمهوری اسلامی اعتراض کنید. سازمانهای پناهندگی و مدافعین حقوق انسانی و حقوق مدنی باید در راس مبارزه برای تامین و حفظ جان و امنیت پناهجویان کرد و افغانی قرار بگیرند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی با تمام قوا برای جلوگیری از اخراج این پناهجویان مبارزه می کند. راه چاره مبارزه متحدانه و سرسختی و مقاومت همه انسان دوستان و آزادخواهان و جلوگیری از

اخراج صدها هزار پناهجوی کرد و افغانی است.

به پناهندگان متحصن در شهر وان ترکیه

دوستان! در مبارزه ای که در دفاع از حقوق پایمال شده تان در پیش گرفته اید به شما صمیمانه خسته نباشید می گوئیم. مبارزه شما به یک معنی ادامه مبارزه تان در ایران و عراق و افغانستان و دیگر کشورهایی است که حقوق انسانها به بی

ما می توانیم با یک مبارزه متحد و رساندن صدای خود به گوش همه انسانهای آزادخواه در جهان به این سازمان نشان دهیم که اگر آنها می توانند از خشونت و بایکوت برای خاموش کردن مبارزات ما بهره برند ما هم از حمایت میلیونها انسان و صدها سازمان آزادخواه در سطح جهان برخورداریم. این را باید به دفتر سازمان ملل نشان داد. رمز پیروزی ما مبارزه متحدانه در دفاع از حق پناهندگی است. شما تا دست

تعداد زیادی اطلاعیه فدراسیون به زبان انگلیسی در میان عابریین توزیع و در اختیار رسانه ها قرار گرفت. تعداد زیادی از عکاسان و خبرنگارهای متعدد از آکسیون رپورتاژ تهیه کردند، از جمله یک کانال تلویزیونی استرالیا گزارش مفصلی را تهیه کرد و ضمناً در شبکه بین المللی سی ان ان نیز پخش شده است.

تظاهرات بر علیه دیپورت پناهجویان ایرانی



عکسی از تحصن پناهندگان در شهر وان ترکیه

رحمانه ترین وجهی پایمال می شود. دفتر سازمان ملل آشکارا با کمک همه ابزارهای سرکوب در حال پایمال کردن حقوق مسلم پناهندگی در وان و به یک معنی در ترکیه است. این سازمان خیال می کند با مجموعه ای از انسانهای پراکنده و خسته و روبرو است که نمی توانند صدای اعتراضشان را به جایی برسانند به این دلیل بی شرمانه حتی جزئی ترین حقوق شما را انکار می کند. انتظار طولانی مدت برای اعلام نتیجه بازجویی (مصاحبه)، محروم کردن پناهندگان قبولی از امکانات مالی، بستن پرونده ها بدون هیچ توضیح مشخص و ... از جمله این حق کشی های دفتر سازمان ملل در وان است. اما

گزارش آکسیون دفاع از پناهجویان افغانی در لندن

بعد از ظهر روز جمعه ۳۱ اوت به فراخوان فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و فدراسیون پناهندگان عراقی با سایر تشکلهای مدافع حقوق پناهندگی و ضد راسیست از ساعت ۴ و نیم بمدت ۲ ساعت در مقابل سفارت استرالیا تجمع کرده و با دادن شعارهایی علیه سیاست ضد پناهندگی دولتهای غربی و استرالیا خواهان پذیرش و برسمیت شناختن حقوق کلیه پناهجویان شدند. در این آکسیون

دوشنبه ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۱ ساعت ۵ بعدازظهر مقابل پارلمان دانمارک هر روز تعدادی از پناهجویان ایرانی حکم اخراج از دانمارک و دیپورت به ایران را دریافت می کنند. آخرین نمونه آن خانواده ناصری است که شکنجه آقای ناصری در زندانهای ایران مورد تایید پزشکهای دانمارک قرار گرفته است. سیامک ناصری و همسرش به مدت شش روز است که دست به اعتصاب غذا زده و سیامک ناصری، اقدام به دوختن لبهای خود نموده است. سیامک در شب شنبه بعلت فشار روحی فراوان، قصد دست زدن به

خودسوزی نموده بود که خوشبختانه با دخالت و جلوگیری همسر او و دیگر پناهجویان از این عمل او جلوگیری بعمل آمد.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ۰ واحد دانمارک با کمال همدردی با خانواده ناصری و دو فرزند ۱۰ و ۴ ساله شان، تنها راه حل موثر برای حل مسئله دیپورتها به ایران و رسیدگی به پرونده پناهجویان را در مبارزه متحدانه همه پناهجویان میدانند.

در حمایت از پناهجویان کرد عراقی مقیم ایران

رژیم اسلامی حاکم بر ایران طی سالها برخورد تحقیر آمیز و سخیفانه ترین القاب به فراریان رژیم رانیه و طالبانها در افغانستان و کردهای عراقی گریزان از دست جنگ و خونریزی و دیکتاتوری حاکم بر عراق و کردستان، اکنون قصد اخراج آنان را دارد و میخواهد تحت عنوانین مختلف آنان را به کردستان عراق و افغانستان برگرداند. در نتیجه این طرح ضد انسانی ۲۲۰ هزار پناهجوی کرد عراقی باید به کردستان تحت حاکمیت احزاب ارتجاعی بدون هیچ تامین اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی مناسب برگردند.

فدراسیون پناهندگان عراقی در حمایت از پناهجویان کمپین بین المللی سازمان داده و در همین رابطه در لندن نیز تظاهراتی فراخوانده اند که همه انسانهای آزادخواه مدافع حقوق مدنی را به شرکت در آن فرا می خوانیم. زمان : جمعه ۱۴ سپتامبر ساعت ۱۲ الی ۱ بعد ازظهر مکان : 16 Princes Gate London SW7

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد بریتانیا

تصحیح یک اطلاعیه

طبق خبری که از ترکیه دریافت کرده ایم، پروین و اقبال تابعی هنوز اقامت کانادا را دریافت نکرده و کماکان در یک وضعیت نامعلومی بسر میبرند.

دبیرخانه همبستگی-فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ضمن تصحیح اطلاعیه منتشره در ماه مه مبنی بر پذیرش این دو پناهجو توسط سفارت کانادا، تلاش میکند تا فشار بیشتری بر کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در آنکارا آورده و از حق پناهندگی این دو پناهجو قویا دفاع نماید.

دبیرخانه همبستگی-فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ۴ سپتامبر ۲۰۰۱

تذکر دبیرخانه در رابطه با نامه های تاییدیه همبستگی

بدینوسیله در پاسخ به نامه هژیر از ترکیه مندرج در همبستگی هفتگی شماره ۱۰ مبنی بر شایعه خرید و فروش نامه های فدراسیون در ترکیه، اعلام میداریم که کلیه نامه ها و مشاوره های حقوقی همبستگی در دفاع از پناهندگان رایگان بوده و منطبق با سیاست اعلام شده این سازمان صادر میشوند. ما بار دیگر اعلام میکنیم که همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از حق پناهندگی کلیه پناهجویان ایرانی به استثنای کسانی که در دستگاههای سرکوب جمهوری اسلامی رژیم گذشته فعالیت کرده اند، دفاع کرده و برای کسب حق پناهندگیشان تلاش میکند. برای اینگونه فعالیتها هیچ مبلغی را پناهندگان و پناهجویان دریافت نکرده، و شایعه خرید و فروش نامه های همبستگی را قویا تکذیب مینماییم.

سرگذشت زندگی، زندان و فرار یک فعال حقوق کودک در ایران!

ژیلا سمندرپور

قسمت اول

فرار و زندگی پناهندگی من است، برایتان مینویسم. همیشه فقر و تضاد طبقاتی، دیدن دستهای یخزده کودکان محروم در خیابانها در زمستانهای سرد آزارم میداد. همیشه به این مساله فکر میکردم که چگونه میشود ریشه فقر و ستمی که بر کودکان و زنان میروند را از بین برد. در جستجوی خود برای یافتن پاسخی به این دردها بودم که در سال ۵۶ با تفکرات انقلابی آشنا شدم و با مطالعه کتابهای مختلف، مشکلات اجتماعی را ریشه یابی کردم. کتابهای جالب توجه اجتماعی - سیاسی را در بین همکلاسههای مخفیانه توزیع میکردم و در مورد مسائل اجتماعی صحبت میکردیم. ساواک مرا از طریق مدیر مدرسه تهدید کرد و مادر و برادرم را زیر فشار قرار داد و تهدید شد که در صورت تکرار اخراج میشود. در سال ۵۹ با شرکت در میتینگهای مختلف سازمانهای چپ با سازمان پیکار آشنا شدم و با این سازمان دست به فعالیت

دلم میخواست و همیشه آرزو میکردم تا نشریه ای وجود داشت که من بتوانم به عنوان یک زن رنجها و مشکلات خود، زنان و کودکان را در آن انعکاس دهم. اتفاقی توسط یکی از دوستانم همبستگی را پیدا کردم و خواندم و آن را مردمی یافتم. احساس کردم که اینها درد دل خود مردم است. به عضویت فدراسیون در آمدم تا با یاری همبستگی مسائل و مشکلات انسانها بخصوص زنان و کودکان و نوجوانان و ستمکشان را به گوش همگان برسانم. همگی دست به دست هم داده و در راه احقاق حقوق انسانی دژی از انسانها پدید آوریم تا بتوانیم در راه انسانیت یآوری باشیم برای هم و مرهمی برای زخمهایمان! از همین رو من هم داستان زندگی خودم را که داستان رنج و در عین حال نفرت از جهنم جنایتکاران اسلامی و داستان

سیاسی زدم. در سال ۶۰ در حال پخش اعلامیه دستگیر شدم و در بی دادگاههای جمهوری اسلامی به ۱۵ سال زندان محکوم شدم. من در زندان زنجان باید «جرم» خود را میکشیدم. اوضاعی که در زندان بر من گذشت بسیار وحشتناک بود. سلولهای انفرادی، شلاقهایی که همراه با نوار آهنگران بر کف پا و کمر زندانیان زده میشد. من شاهد بیماری زندانیان و عفونتهایی که بر اثر نبودن بهداشت در زندان وجود داشت، بودم. شاهد سفید شدن تمامی موهای یکی از هم سلولیهایم در مدت دو روز، شاهد بیمار شدن دوستانم به بیماری سرطان که بر اثر شلاقهای مداوم بیماری او بسرعت در تمامی بدنش ریشه دواند و در عرض یکماه او را از بین برد، بودم.

برای آزار و اذیت ما چند نفر از زنانی که بر اثر فقر و محرومیت قربانی رژیم اسلامی بودند و زنان «بدکاره» نامیده میشدند را بعد از شلاق زدنهای متوالی به آنها، به سلول ما میآوردند تا به خیال خودشان ما را آزار دهند. وقتی به چشمان حیرت زده آنها نگاه میکردم معصومیت خاصی در نگاههایشان بود. ما به آنها محبت میکردیم و با مختصر وسایلی که داشتیم بر روی زخمهایشان که از شدت شلاق سیاه شده بود مرحم میکشیدیم. با آنها از افکاری که داشتیم صحبت و از آنها راجع به زندگیشان میپرسیدیم. بعد از چند روز این زنان دیگر دوست نداشتند از سلول ما بروند، مقاومت کرده و با بازوها درگیر میشدند که چرا ما را اصلاً زندان انداخته اند. به این استناد میکردند که ما انسانهای خوبی هستیم چرا باید این دختران را زندانی کنید! بیشتر آنها بخاطر فقر مجبور شده بودند به هر کاری تن دهند، بعضی از آنها به دلیل اعتیاد همسرشان معتاد شده بودند، دنیای عجیبی بود ما خواب آزادی را میدیدیم و تعدادی از آنها چون سر پناهی نداشتند

التماس میکردند که همانجا بمانند، آنها میگفتند: «ما هیچ کجا را نداریم تا در زمستان بتوانیم از سرما در امان باشیم و هیچ پولی نداریم تا بتوانیم خود و بچه هایمان را سیر کنیم.» ولی پاسداران با فحاشی بزور آنها را از زندان بیرون میکردند. مزدوران رژیم برای آزار ما از رفتن ما به توالت حتی هنگامیکه احتیاج مبرم داشتیم خوداری میکردند و گاهی دو روز یکبار ما را به دستشویی میبردند. به همین دلیل من ناراحتی مثنانه پیدا کردم و در اثر عفونت شدید مجبور شدم مرا در بهداری زندان بستری کنند. البته در زندانهای رژیم این شکنجه محسوب نمیشد. در یکی از شبهای سرد پاییز ساعت سه نیمه شب قفل درب سلول من بصدا درآمد و به دنبال آن صدای نگیهان آمد که گفت: «حاضر شو»، بعد از چند دقیقه بازجو و فرمانده سپاه وارد سلول شدند و فرمانده کلت خود را از کمر بیرون کشید و گفت: «امشب شبی است که تو هم مثل خیلی از کسان دیگر به درک واصل خواهی شد، تیر خلاص تو را خودم میزنم درست وسط پیشانی ات.» قلم به سرعت میزد برای خودم که هنوز با خیلی رویاها و آرزوهایم خوش بودم یک آن دلم سوخت. نمیخواستم بمیرم. چشمانم را بستند و مرا با یک بند که یک سر آن در دست من و یک سر دیگر آن در دست زندانبانم بود به بیرون بردند. چند دقیقه از رفتنمان در راهرو نگذشته بود که من احساس کردم طنابی که با آن بجلو کشیده میشدم شل شده و چیزی جلوی پایم مانع حرکت من میشود. ایستادم، هیچ صدایی نیامد به خود جرات دادم تا چشمبندم را شل کنم تا بتوانم جایی را در آن تاریکی ببینم. وقتی از زیر چشمبند نگاه کردم جسد بیجان و خون آلود کسی را دیدم که بر اثر تیرباران به خون غلتیده بود، بی اختیار فریاد کشیدم و از شدت شوک بیهوش شدم. نمدانم چه مدت بیهوش بودم،

با لگدهای پی در پی که به کمر و پشتم زده میشد به هوش آمدم و صداهای چند جنایتکار را میشنیدم که با فحاشی میگفتند: «یالا بلند شو». تمامی وجودم میلرزید، لبریز از تنفر شده بودم، تا آن موقع نمیدانستم که احساس نفرت و رنج احساسی است که مثل گرسنگی باعث درد میشود. دردی عمیق یک جایی در قلبم که سالیان سال میماند. هر چه قدرت داشتم را در پاهایم جمع کردم، خودم را به زور بلند کردم و به دیوار تکیه دادم. مرا به اتاق بازجویی بردند و گفتند که وصیت بنویس. از این کار امتناع کردم. بعد از چند تهدید و مشت و لگد زدن به پیشانی و بدنم، چشمهایم را بستند و مرا سوار ماشین کرده و به کوچه ای که خانه ما در آن قرار داشت بردند. چشمبند را باز کردند و از من خواستند که برای آخرین بار به آن کوچه نگاه کنم. من تجربه چندانی نداشتم و واقعا باورم شده بود که آن شب مرا برای اعدام میبرند. نگاهی عمیق به کوچه و خاطراتم کردم. جاهایی که محل بازیم بود. معمولاً نیمه شبها مراسم اعدام بود. از نگاه به خاطراتم سیر نشده بودم که نهبیب حرکت آمد، نمیدانم چه مدت در راه بودیم، مرا از ماشین پیاده کردند. نسیم صبحگاهی صورتم را نوازش میداد، احساس میکردم بالای کوه یا تپه ای هستم. مرا به میله ای بستند، نفسم حبس شده بود، دلم میخواست زودتر تمام شود، دلم میخواست تیر خلاصم را احساس نکنم. دلم میخواست سرود بخوانم، در فکر بودم که صدای یکی از جنایتکاران را شنیدم که دستور آماده کردن اسلحه ها را به بقیه میداد. با صدای ۱، ۲، ۳ و آتش، نفسم در سینه حبس شده بود. قلم از حرکت ایستاده بود و هیچ صدایی به گوشم نمیرسید. بعد از چند دقیقه احساس کردم نفس میکشم، قلم همچون پتک بر وجودم میکوبید. فکر میکردم مرده ام ولی با صدای خنده

صفحه ۲

دبیر خانه مرکزی

مریم نمازی دبیر فدراسیون فرهاد حسینی معاون دبیر و مشاور مسائل پناهندگی کیوان جاوید سردبیر نشریه همبستگی سیامک امجدی مسئول سایت در انترنت رامین نیاکان مسئول فاکسهای حمایتی نسرين رمضانعلی مسئول تشکیلات لادن داور مسئول مالی حبیب نضوحی دستیار مالی مهرانوش موسوی سردبیر همبستگی هفتگی و تهیه کننده و مجری صدای همبستگی امیر توکلی مسئول روابط عمومی و دستیار همبستگی هفتگی جمال کمانگر مسئول کشورهای هم مرز جواد اصلانی دستیار سردبیر همبستگی انگلیسی و ماهنامه حقوق مدنی در ایران

تلفن: 00 447730107337

فکس: 00 448701294167

ifir@ukonline.co.uk

آدرس: P.O.Box 27236 - London - N11
2ZF - England

به فدراسیون سراسری پناهندگان پیوندید!